

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دوازدهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۳

پارادوکس (متناقض نما) در شعر طنز انقلاب اسلامی

(ص ۲۳ - ۴۱)

نعمت‌الله ایرانزاده^۱ (نویسنده مسئول)، همایون علیدوستی^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

متناقض‌نمایی یا پارادوکس، از برجسته‌ترین شگردهای ادبی و از عوامل بلاغت‌افزایی در سخن است که موجب میشود کلام از شکل عادی خود فاصله بگیرد و تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد. این ترفند بلاغی نقش قابل توجهی در شکل‌گیری شعر طنز دارد و از مناسبات ساختاری و محتوایی در این گونه زبانی به شمار میرود. بسامد بالای پارادوکس، صرف نظر از برخی آسیب‌های زبانی، نشانگر پویایی اندیشه و تطور زبانی در شعر طنز انقلاب اسلامی است. در این جستار که به منظور تبیین رویکردهای کمی و کیفی متناقض‌نما در شعر طنز این دوره ادبی و به روش استقرایی مبتنی بر تحلیل محتوایی صورت گرفته، از شیوه‌های کاربرد پارادوکس در آثار شاعران طنزپرداز انقلاب اسلامی رمزگشایی شده است. کشف اندیشه‌های شاعرانه مبتنی بر پارادوکس و شیوه‌های بیان آنها به زبان طنز و نشان دادن میزان ابداعات زبانی و نوآوریهای فکری و ادبی، از دیگر ویژگیهای این پژوهش است. بررسی این موضوع میتواند موجب روشن‌سازی بخشهایی از کارکردهای تصویری و بلاغی در شعر طنز انقلاب اسلامی شود.

کلمات کلیدی: طنز، شعر انقلاب اسلامی، متناقض‌نمایی، ابداع زبانی، نوآوری فکری.

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (Iranzadeh@atu.ac.ir)
^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (homayoon82699@gmail.com)

۱- مقدمه

پارادوکس (paradox) و بیان نقیضی (oxymoron) با پیوند میان دو مفهوم متناقض ایجاد میشود و «پارادوکس شاعرانه عبارت است از بیانی بظاهر متناقض یا مهممل که دو امر متضاد را جمع میکند اما در اصل حامل حقیقتی است که از راه تفسیر یا تأویل میتوان به آن دست یافت». (متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چناری، ۱۹) این شیوهٔ بلاغی از مؤلفه‌های مطرح و پُربسامد در سبک شعری شاعران طنزپرداز انقلاب اسلامی است.

گسترش دامنه‌های فکری و واژگانی، تلاش شاعران برای یافتن نگرش جدید، تنوع آرا و اندیشه‌های آرمانی و پیدایش سلايق گوناگون فرهنگی و اجتماعی از عوامل روی‌آوردن طنزپردازان این دوره به پارادوکس است. این ناهماهنگی و ناسازگاری از عواملی است که با اشکال گوناگون در موقعیتهای کلامی متفاوت دیده میشود که این خود به عنوان یک نظریه قلمداد میشود. بر پایهٔ این نظریه، «شوخی، اساساً یک ناهماهنگی است که از ناسازگاری اجزای سخن با یکدیگر حاصل میشود و هرچه میزان ناسازگاری این عوامل بیشتر باشد، جوهره طنز سخن بیشتر است». (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۷۹)

گره‌گشایی از راز و رمزهای شکل‌گیری متناقض‌نماها در حوزه‌های ساختاری و معنایی، علاوه بر التذاذ روحی، موجب کشف اندیشه‌های پنهان در ذهنیت‌های شاعران طنزپرداز میشود و این ضرورت ایجاد میکند که در پژوهشهایی گسترده به بررسی شگردهایی پرداخت که منجر به پیدایش پارادوکس در بیان شاعرانه شده‌اند.

به نظر میرسد که شاعران طنزپرداز انقلاب اسلامی، تصرفهای گسترده‌ای در ظرفیتهای زبانی و تصویری داشته‌اند که حاصل کوششها و جوششهای شاعرانه بوده است همچنان که فرای نظریه پرداز آمریکایی معتقد است «شعر علاوه بر کنشهای فردی و اختیاری ذهن حاصل مراحل زیرآگاهی، پیش‌آگاهی و نیمه‌آگاهی شاعر نیز هست» (تحلیل نقد ادبی، فرای: ۱۱۰). بر همین اساس باید دید که با چه معیارهایی میتوان کارکردهای بلاغی متناقض‌نما را در شعر طنز این دورهٔ ادبی بررسی و طبقه‌بندی کرد. نتایج حاصل از این کاوش میتواند ما را در شناسایی آسیب‌های زبانی و دست‌یابی به ظرفیتهای کشف‌نشدهٔ ادبی یاری دهد.

شناخت میزان رویکرد طنزپردازان انقلاب اسلامی به پارادوکس و تأثیر آن در تحولات ادبی، از دیگر شاخصه‌های انجام این پژوهش است.

۲- پرسشهای پژوهش

- (۱) پارادوکس چیست و گونه‌های مختلف کاربردی آن کدامند؟
- (۲) شاعران طنزپرداز انقلاب اسلامی چگونه و با چه شیوه‌هایی از پارادوکس در شعر خود بهره گرفته‌اند؟
- (۳) استفاده از پارادوکس تا چه اندازه در توانمندسازی لفظی و معنایی شعر طنز انقلاب اسلامی مؤثر بوده است؟
- (۴) گستره پارادوکس در شعر طنز انقلاب اسلامی تا چه حد است و چگونه میتوان این گستره را افزایش داد؟

۳- فرضیه‌های پژوهش

- (۱) با توجه به بسامد بالای پارادوکس در شعر طنز انقلاب اسلامی امکان شکل‌دهی و تقسیم‌بندی آن در حوزه‌های ادبی، زبانی و محتوایی وجود دارد.
- (۲) با تحلیل داده‌های موجود میتوان گونه‌های تازه‌ای از کاربرد پارادوکس را در شعر طنز فارسی شناسایی و بررسی کرد.
- (۳) با توجه به نوع بهره‌گیری طنزپردازان انقلاب اسلامی از پارادوکس میتوان به این نکته پی برد که عوامل زیادی در رویکرد شاعران طنزپرداز به پارادوکس وجود دارد که از آن جمله میتوان به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد.
- (۴) پردازش پارادوکس در شعر طنز انقلاب اسلامی ریشه در نگرشهای نوین شاعران این دوره و تسلط آنان بر فنون ادبی و محسنات لفظی و معنایی در حوزه‌های بدیع و معانی و بیان دارد.

۴- پیشینه و ضرورت تحقیق

پژوهش درباره پارادوکس و نموده‌های آن در شعر فارسی، تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شده است که از آن جمله میتوان به مقاله (متناقض‌نمایی در شعر صائب تبریزی گلی، صص ۱۳۱ - ۱۵۹)، شیوه مناقض‌نمایی در شعر حافظ (وزیله، صص ۳۹ - ۴۹)، بررسی دلایل افزونی بسامد پارادوکس در سبک هندی حسین پور صص ۷ - ۲۴) و (متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی اسکویی، صص: ۱۰۷ - ۱۳۴) اشاره کرد. در این مقالات که بر اساس الگوهای نظری صاحب‌نظرانی نظیر دکتر شفیعی کدکنی، امیر چناری و محمد راستگو تهیه شده‌اند، اشارات قابل توجهی به نقش پارادوکس در شعر طنز نشده است و بیشتر شواهد، تنها از منظرهای بلاغی در آثار شاعران متقدم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

علاوه‌براین، در پژوهش‌های یادشده، دسته‌بندی پارادوکس‌ها عمدتاً بر مبنای صوری و زیبایی‌شناختی بوده است که همه جوانب متناقض‌نما را شامل نمی‌شود. به همین دلیل، ارائه پژوهش‌هایی پیرامون کارکردهای پارادوکس در شعر انقلاب اسلامی به طور عام و بررسی این ترفند بلاغی در شعر طنز این دوره به طور خاص، می‌تواند به شناخت هرچه بهتر ویژگی‌های ادبی در شعر این دوره به ما کمک کند.

جامعه‌آماری این تحقیق آثاری هستند که در کتاب‌های شعر طنز معاصر نظیر قهوه قندپهلو نوشته امید مهدی‌نژاد، شعر طنز امروز ایران نوشته سید ابراهیم نبوی و گزیده اشعار طنزپردازان انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده‌اند.

۵- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از شیوه استقرایی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات جمع‌آوری و به روش نمونه‌گیری از اشعار انتخاب شده است همچنین با استفاده از شیوه تحلیل محتوایی یافته‌ها به صورت تحلیلی و توصیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نتایج حاصل از بیت‌های نمونه به فضای کلی شعر طنز در این دوره ادبی تعمیم داده شده است.

۶- بحث و بررسی

پارادوکس از عناصر پُرکاربرد در شعر طنز است که موجب تشخیص زبان و رستاخیز آن می‌شود. این بیان هنری که حاصل اجتماع نقیضین و گره‌خوردگی اضداد است، با دربرگرفتن انواع تقابلها و تناظرهای صوری و محتوایی، علاوه بر طنزآفرینی، موجب افزایش موسیقی لفظی و معنوی در شعر و نیز ایجاد شگفتی در خواننده می‌شود. این ویژگی مبین این باور است که «شاعر برای ایجاد انسجام در شکل شعر از صنایع بدیع و لفظی استفاده می‌کند که القاء‌کننده تنش و تباین و ناهمسازی بویژه دو صنعت پارادوکس و آیرونی هستند» (نقد ادبی و دموکراسی، پاینده: ۴۸).

آمیختگی پارادوکس با برخی دیگر از محسنات لفظی و معنایی، از مؤلفه‌هایی است که جداسازی و طبقه‌بندی آن را دشوار می‌کند و نمایانگر ذهن سیال شاعر در پردازش این ترفند بلاغی است. به عقیده آشوری «پارادوکس می‌تواند ظرفیت زبان و قابلیت‌های اندیشیدن را از بودن به شدن ارتقا دهد و انسان را در جایگاهی قرار دهد که بتواند آنچه را که نیست، در خیال بیاورد» (شعر و اندیشه، آشوری: ۷۷).

بسیاری از صاحب‌نظران حوزهٔ بلاغت عقیده دارند که «هرچقدر این گره‌خوردگی تصاویر بیشتر باشد، لذت حاصل از کشف پارادوکس بیشتر خواهد بود. همچنان که برخی از منتقدان غربی، به‌ویژه پیروان مکتب نقد نوین مثل کلینث بروکس، تناقض ظاهری را تنها یکی از ویژگی‌های بنیادی شعر میدانند» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، ۸۹:۵۱)

پیوند پارادوکس با عناصر مطرح در دانش معانی، از دیگر رویکردهایی است که موجب دشواری شناخت ساختاری آن میشود و از آن قبیل میتوان به نقش مواردی نظیر: تنکیر، تقلیل، تحقیر و تقیید مسندآلبه در شکل‌گیری متناقض‌نما اشاره کرد. وضع پارادوکس در محمل‌های ادبی نظیر تعجب، استهزاء و ریشخند، تهدید و تحذیر از دیگر مسائل مرتبط با این موضوع است که نمیتوان آنها را نادیده انگاشت؛

بر اساس همهٔ نظریات مطرح در این زمینه، ویژگی‌های پارادوکس در شعر طنز انقلاب اسلامی از سه منظر ادبی، محتوایی و زبانی قابل‌بررسی است؛ البته باید اذعان داشت که برخی از ابیات دارای پارادوکس، تنها از یک یا دو منظر و برخی دیگر در همهٔ موارد قابل‌بررسی هستند.

۶-۱- ساختارهای ادبی

شاعران انقلاب اسلامی در عرصهٔ شعر طنز ضمن بهره‌گیری از سایر عناصر بلاغی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و ... پارادوکس را به گونه‌ای هنرمندانه با آن عناصر درآمیخته‌اند و از این رهگذر توانسته‌اند به زبان شعر طنز پویایی و تازگی بدهند که این پدیده حاصل دخل و تصرف شاعران در صورتهای لفظی و معنایی و آشنایی زدایی از ذهن و زبان است.

دکتر وحیدیان کامیار در شرح مقوله پارادوکس به پیوند این عنصر بلاغی با شگردهایی نظیر تهگم، استثنای منقطع، ذم شبیه به مدح، عکس و ... اشاره می‌کند و آنها را از عوامل غافلگیری و آشنایی زدایی بر می‌شمارد (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناختی، وحیدیان کامیار: ۱) بر همین باور متناقض‌نما از عوامل موثر در بلاغت افزایی و جوهرهٔ شعری است که بخشی از این تأثیرگذاری از این لحاظ است که موجب اقناع حس زیبایی‌شناختی و تهییج مخاطب میشود. دکتر سروش راز حلاوت حاصل از پارادوکس را در مخالفت آن با عقل و منطق میداند و میگوید: « نقش متناقض‌نما برانگیختن تعجب است از راه تکیه بر خلاف عرف و عادت و منطوق و گزیدن با دو تیغهٔ مقراض تناقض » (تعمیم صنعت طباق با استفاده از عکس و نقض، ج ۲، سروش: ۲۵۹) کاووس حسن لی نیز معتقد است: « آمیزش ناسازها

یا بیان پارادوکسی از عوامل تشکیل‌دهنده موسیقی معنوی است که انواع تناظرها، تقارنها و تقابلها را در برمیگیرند» (آمیزش ناسازها در ادبیات فارسی، حسن لی: ۷) وی اهمیت بررسی تقارنهای کلامی را فراتر از ساختارهای ذهنی بر می‌شمارد و می‌گوید: « این تقارنها میتوانند در صورتهای ادبی نظیر تشبیه، استعاره، طرد و عکس، کنایه، ایهام و مدح شبیه به ذم ظاهر شوند».

بر پایه این دیدگاهها و با تأمل در نمونه‌های موجود میتوان دریافت که شکل‌گیری پارادوکس در شعر انقلاب اسلامی با تقابل صورتهای خیالی به وجود می‌آید که از لحاظ لفظی و معنوی با هم ارتباط دارند و این ارتباط را با دقت در شبکه‌های تصویری اشعار میتوان یافت:

گرگ شد میش زبان بسته که نازش کردیم غسل در جاری خون کرد نمازش کردیم
از تمنای رهایی به قفس افتادیم دام ما بال و پری بود که بازش کردیم
(سفرنامه گرد باد، حسینی: ۶۷)

در موارد یاد شده شاعر با ایجاد تقابل لفظی و معنایی میان گرگ و میش و تمنای رهایی و افتادن در قفس، پارادوکسی را می‌آفریند که حامل پیام‌گزنده‌ای است و شنونده را در تأملی عمیق فرو میبرد. و همچنین است نمونه زیر از منظومه سپید « مولا ویلا نداشت » سروده علیرضا قزوه:

اصلاً گور پدر مال دنیا ریاضت کش به ویلایی بسازد
(از نخلستان تا خیابان، قزوه: ۹۲)

در این نمونه شاعر با ایجاد نقیضه در مصراع‌ی از شعر فخرالدین عراقی با جایگزین کردن واژه ویلا به جای بادام تناقضی شگفت را به وجود آورده است. همچنین است نمونه زیر از همین شاعر: «سکوت کردم، تقدیرنامه‌ها مرا سرزنش کردند، تقدیرنامه‌ها مرا نفرین کردند». (همان: ۱۰۶)

در این فراز شعری شاعر با ایجاد تقابل معنایی توأم با تشخیص و کنایه میان اجزای کلام پارادوکس بدیعی را رقم زده است. بر اساس یافته‌های مرتبط، وضع پارادوکس به شیوه طنز در ساختارهای ادبی به روشهای زیر صورت گرفته است:

۶-۱-۱- پارادوکس بر مبنای تشبیه

الف) مشبّه منفی + مشبّه‌به مثبت:

ملخی را که روی دیوار است ساقی سیم‌ساق میبینم
(شعر طنز امروز ایران، نبوی: ۱۲۹)

* ملخ روی دیوار = مشبّه منفی؛ ساقی سیم‌ساق = مشبّه‌به مثبت*
شاعر در این بیت ملخ را که جانوری به ظاهر بد ترکیب است در هیأت ساقی سیم ساق میبیند.

ب) تشبیه معکوس یا مقلوب:

پست بالا شده‌ست و بالا پست گاه چون کوه و کوه چونان گاه
(همان: ۱۳۱)

۶-۱-۲- پارادوکس بر مبنای استعاره

الف) مستعار له مثبت + مستعار منه منفی:

پرده را برداشتی تا دلبری آید به در نره‌غولی با قد همچون چنار آمد برون
(قهوه قند پهلوی، مهدی نژاد: ۱۶۱)

* دلبر: مستعار له؛ نره‌غول: مستعار منه*

ب) پارادوکس بر مبنای استعاره مکنیه: در این شیوه شاعر با اسناد فعل به چیزی بی جان و ایجاد تقارنهای کلامی پارادوکس می‌آفریند:

می خندد بر من شکاف دیوار می‌گرید بر من شکاف سقف
من گریه ام گرفته از آن خنده من خنده ام گرفته از این خنده
(گزینه اشعار طنز آمیز، صلاحی: ۱۰۶)

۶-۱-۳- پارادوکس بر مبنای کنایه

الف) طرح موضوع مثبت + عبارت کنایی منفی:

عالی‌ست با مکافات فوق‌لیسانس گشتن وانگه سماق‌ها را با دوستان مکیدن
(قهوه قند پهلوی، مهدی نژاد: ۱۶۹)

* فوق‌لیسانس شدن: مقوله مثبت؛ سماق مکیدن: کنایه از انتظار بیهوده*

ب) اجتماع دو مقوله کنایه متضاد:

پیش‌رفتن سودی جز این ندارد / حرف حساب گفتن، پرت‌وپلا شنیدن
(همان: ۱۷۰)

* حرف حساب گفتن = سخن مستدل و منطقی گفتن؛ پرت‌وپلا شنیدن = جواب بیهوده شنیدن *
زنند گل به سرت تا که پوستت بکنند / بر آن گلی که بود بر سر خیار، قسم!
(همان: ۱۷۳)

* گل به سرت زنند = اسباب افتخار تو را فراهم کنند؛ پوستت بکنند = تو را عذاب می‌دهند *
ج) ساخت کنایه نو منطبق با کنایات قدیمی:

رحم بر عاجز و افتاده ندارند روا / از کران سمعک و از کور عصا میدزدند
(همان: ۱۷۷)

* سمعک از کران دزدیدن، کنایه‌ای مبتنی بر پارادوکس است که به اقتباس از کنایه عصا
از کور دزدیدن ساخته شده است *

د) ترجیح کنایه منفی بر کنایه مثبت:
هر که مشکل‌دارتر باشد، مقرب‌تر شود / گاو پیشانی سفید از سرحنایی بهتر است
(همان: ۶۹)

* مشکل‌دار: کنایه از فرد بی‌اخلاق؛ مقرب: کنایه از صاحب مقام و نفوذ *

ه) کنایات مبتنی بر تمثیل:
گاو هم پیش او فلاطون است / بیشتر از بقر نمیفهمد
(همان: ۵۶۱)

* گاو هم پیش او فلاطون است: ضرب‌المثل مبتنی بر پارادوکس *

و) بنیاد دو کنایه متضاد با تضاد لفظی:
اوضاع جهان دیمی و هرکی هرکی است / کوتاه بی‌تا که درازت نکنند
(همان: ۴۱۲)

* کوتاه بی‌تا! = فروتنی کن! تا که درازت نکنند = تا تو را نابود نکنند *

۶-۱-۴- پارادوکس بر مبنای تلمیح

گول این نقش‌آفرینان ثناگو را مخور! / بیشتر گرسیوزان را شکل رستم میکشند
(صبحتان بخیر مردم، قزوه: ۶۷)

بر فراز نیل های بی کسی موسای من
معبری گسترده جز پل های ویرانی ندید
غیر بی ایمانی خالص به جز تزویر محض
یوسفم از این برادر های ایمانی ندید
(سفرنامه گرد باد، حسینی: ۸۶)

۶-۱-۵- پارادوکس بر مبنای استثنای منقطع (از مصادیق روش ایهام)

صبح‌ها در خانه‌ها مان نیست غیر از داد و قال
شام‌ها در سفره‌ها مان نیست غیر از احتیاج
(قهوه قند پهلوی، مهدی نژاد: ۸۳)

۶-۱-۶- پارادوکس بر مبنای ایهام تناسب

اگر شیرین نجیب و تلخ باشد
نه خسرو در پیش افتد، نه فرهاد
(کاکتوس، علیدوستی: ۵۲)

(۱) بد اخلاق بودن شخص شیرین
(۲) «تلخ» متضاد «شیرین»
تلخ بودن شیرین

۶-۱-۷- پارادوکس بر مبنای جناس

خارها خوار نیستند!
شاخه‌های خشک، چوبه‌های دار نیستند!
(آینه های ناگهان، امین پور: ۷۳)

خار و خوار: جناس ناقص لفظی
می‌تواند وام‌های گنده و سنگین بگیرد
گرچه او ضامن ندارد، لیک ضامن دار دارد
(سکته ملیح، بیابانکی: ۸۳)

ضامن، ضامن‌دار: جناس ناقص

(۱) ضمانت کننده
(۲) ضامن چاقو.
ضامن

۶-۱-۸- پارادوکس بر مبنای تضمین

مثل لقمان که ادب رو یاد گرفت از بی ادب
بروی ادب شوهر چیزی ادب درست میشه
(فیض بوک، فیض: ۱۶۹)

۶-۱-۹- پارادوکس بر مبنای طرد و عکس

راست‌زی چپ شده‌ست و چپ‌زی راست
ماه در چاه و چاه اندر ماه
(شعر طنز امروز ایران، نبوی: ۱۳۱)

۶-۱-۱۰- پارادوکس بر مبنای اغراق

وقتی پا بده بشون، شیطونا رو مات میکنن
روزی صدتا کامیون گناهو خیرات میکنن
(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۲۶۴)

۶-۲- ساختارهای محتوایی

شعر طنز انقلاب اسلامی از لحاظ فکری و محتوایی با نگاه منتقدانه و با در نظر گرفتن جوانب اخلاقی نابهنجاریهای اجتماعی را نقد میکند و برای بیان این مفاهیم از متناقض‌نمایی بهره میجوید. آنچه که در تصاویر طنز پارادوکس در این دوره ادبی نمایان است حضور نامحسوس طنز و آمیختگی آنها با سایر تصاویر شاعرانه در محورهای افقی و عمودی است نباید از این نکته غافل بود که لذت حاصل از درک مفاهیم طنز آمیز در پارادوکس نتیجه همین در هم تنیدگیهای لفظی و معنایی است که در نهایت موجب التذاذ و شگفتی در مخاطب میشود. «متناقض‌نمایی از این جهت که موجب هنجار‌گریزی، ابهام، دو بعدی بودن، برجستگی معنا و ایجاز در کلام میشود، بدیع، طنز و مطایبه آفرین است.» (ویژگیهای زبان طنز در کاریکلماتور، طالبیان و تسلیم جهرمی: ۲۹)

از جمله ویژگیهای محتوایی در طنزهای مبتنی بر پارادوکس در شعر انقلاب اسلامی طرح مفاهیم متناقض برای اثبات حقیقت است آنچنان که مخاطب از اجتماع ضدین و دو سویه بودن یک موضوع به عمق سخن شاعر پی میبرد و علاوه بر التذاذ روحی در بهتی ناگهانی فرو میرود. آنچه در بررسی ساختارهای فکری و محتوایی پارادوکسهای طنز در این دوره ادبی قابل توجه است این است که گاهی فهم مطلب در این گونه ساختارها به شکل مستقیم امکان پذیر نیست و باید از راه تأویل و توجیه معنایی به آن دست یافت. «در متناقض‌نمایی حاصل عبارت متناقض یا با خود متناقض است یا مهمل به نظر میرسد بنابراین در این عنصر بلاغی تقابل و تضاد کلمات به خودی خود مطرح نیست بلکه معنی حاصل از ترکیب کلام و کل عبارت است که در متناقض بودن سخن تعیین کننده است» (وزیله، ۸۶: ۶) پارادوکسهای شعر طنز انقلاب اسلامی در این ساختار، به روشهای زیر، شکل گرفته‌اند:

۶-۲-۱- مثبت‌پنداری منفیها

در شعر مپیچ و در فن او
دل گن ز زبان الکن او

از معر سخن بگو که نیکوست لقمان همه محو حکمت اوست
(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۶۵)

*نیکو بودن معر = تصویر پارادوکس *

معاونی که مشاور شده ست میداند چقدر شغل شریفی است کشک‌ساییدن
(سکته ملیح، بیابانکی: ۲۱)

بعد از این ما هم پی شهرت سخن خواهیم گفت

زاغ را طاووس و خس را نسترن خواهیم گفت

(سرود درد، سبزواری: ۱۴)

۶-۲-۲- منفی‌پنداری مثبت‌ها

دست بردارید از ما آی عیسایان کذب

دردهای ما شما یید آی جالینوسها

(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۹۰)

آخرت جوین خدایا بیشتر دنیا بینند

آخر از چاه زنخندان آب زمزم میکشند
(صبحتان بخیر مردم، قزوه: ۶۷)

مُردیم از زیادی عدل و وفور داد

دیگر بس است عدل، کمی هم ستم کنید!
(املت دسته دار، فیض: ۴۴)

آخرت جوین خدایا بیشتر دنیا بینند

۶-۲-۳- مُرده‌پنداری زنده

هر عابری در این شهر یک مرده عمودیست

این شهر تا بخواهید سنگ مزار دارد
(نامه‌های کوفی، بیابانکی: ۹۰)

۶-۲-۴- زنده‌پنداری مُرده

من سال‌های سال مُردم

تا اینک که یکدم زندگی کردم
(دستور زبان عشق، امین پور: ۲۲)

هر روز و هر سال تورا روضه روضه

سر می برند و تو هنوز زنده ای
(نامه‌های کوفی، بیابانکی: ۹۰)

هر روز و هر سال تورا روضه روضه

۶-۲-۵- خواسته‌های نامتعارف

دل‌م خوش است به گل‌های باغ‌قالیها

که چشم باران دارم ز خشکسالیها
(دستور زبان عشق، امین پور: ۶۱)

دل‌م خوش است به گل‌های باغ‌قالیها

تمام عبادات ما عبادت است به بی عاداتی کاش عادت کنیم
(همان ۶۴)

۶-۲-۶- تشبّث

«تشبّث در پارادوکس آن است که علتِ ایجاد نبود شود، اما معلول همچنان باقی بماند».
(بلاغت تصویر، فتوحی: ۳۳۴)
قطار می‌رود، تو می‌روی، تمام ایستگاه می‌رود؛
و من چقدر ساده‌ام که سالهای سال،
در انتظار تو کنار این قطار ایستاده‌ام
و همچنان به نرده‌های ایستگاه تکیه داده‌ام!

(دستور زبان عشق، امین پور: ۹)

۶-۲-۷- استبداد

«استبداد در پارادوکس آن است که معلول بدون علت پدید آید».
(سبک‌شناسی، فتوحی: ۳۳۳)

نا بوده فقیر و پابره‌نه معروف شده به بُشر حافی
(شعر طنز امروز ایران، نبوی: ۶۱)

۶-۲-۸- خودفریبی

ما که کم را زیاد می‌گیریم تنگ‌ها را گشاد می‌گیریم
(همان: ۱۳۰)

یک عمر با مرگ زیستیم، از بس که خسته ایم دگر خسته نیستیم

(گزینۀ اشعار طنز آمیز، صلاحی: ۱۰۶۹)

۶-۲-۹- وارونه‌گویی

ز دین ریایی نی‌ازم بنازم به کفری که از مذهبم می‌تراود
(گزینۀ اشعار، امین پور: ۱۳۱)

عزا این نیست غم این نیست داغ کربلا این نیست

به خندیدن شباهت می‌برد این نوحه خوانیها

(صباحان بخیر مردم، قزوه: ۱۱۰)

۶-۲-۱۰- خوداتهامی

از بس که زیادیم، همه کم داریم
(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۳۹۷)

انگار که ما ریشه در این غم داریم

۶-۲-۱۱- نیشخند و استهزاء

با دنده چهار احترام گذاشتند
(از نخلستان تا خیابان، قزوه: ۷۶)
همین که فاحشه شهر شد حجاب فروش
(صبحتان بخیر مردم، قزوه: ۷۸)
گوشه قهوه‌خانه‌ای

امسال تاکسیها به پاهای قطع شده
نمانده حجب و حیایی همینمان کم بود
پیرمردی گرسنه و بیمار
میخفت

از مضرات پُرخوری میگفت
(شعر طنز امروز ایران، نبوی: ۳۳)

رادیو باز بود و گوینده

۶-۲-۱۲- اعتراف

مهر مسجد برده‌ام، فرش حرم دزدیده‌ام
(پیاده آمده بودم، کاظمی: ۴۹)

گرچه امشب توبه‌کارم، صبحم خواهی شنید

«به یاد لبان تشنه ات ظهر عاشورا

شربت زعفرانی نوشیدیم در جامهای کریستال»

(نامه‌های کوفی، بیابانکی: ۱۰۴)

۶-۲-۱۳- جوان‌پنداری پیر و بر عکس

چون پسته لب بسته مکیدند نفس را
(صبحتان بخیر مردم، قزوه: ۴۸)
خنده دار است ولی پیر شباب آلوده
(فیض بوک، فیض: ۶۴)
ز پیران به وقار و سرگرانی
جوانان پیری و پیران جوانی
(کاکتوس، علیدوستی: ۱۲۴)

پیرند ولی چشم به دنیا نگشودند

گرچه بد نیست شبابی که به پیر آغشته است

جوانان را برآزد شادمانی
ولیکن میکنند امروز برعکس

۶-۲-۱۴- راست‌پنداری دروغ

«گفت:

- هر که عریان آید در باران، خیس نخواهد شد!»

(گزینۀ اشعار طنز آمیز صلاحی: ۱۳۱)

۶-۲-۱۵- ناسازه‌های منطقی

لال زبان باز کند کر شنود زمزمه را کور در این منظره‌ها چشم چرانی بکند
(شاعر شنیدنی است، بهمنی: ۲۵۰)

۶-۳- ساختارهای زبانی

پارادوکس در زبان شعر عمدتاً در دو ساخت نحوی شکل می‌گیرد یکی در قالب جمله که در این صورت اسناد اجزاء جمله به یکدیگر عقلاً محال مینماید دیگری در قالب ترکیبات وصفی یا اضافی که به آن ترکیب متناقض نما (OXYMORON) می‌گویند (فتوحی ۱۳۸۵:۳۲۸) بر پایه این دیدگاه اشعار طنز شاعران انقلاب اسلامی را در ساختارهای زبانی میتوان به صورت زیر طبقه بندی کرد:

۶-۳-۱- اسناد مسند الیه به مسند

در سروده زیر شاعر با اسناد مسند الیه « هر که نادان بود » به مسند « توانا بود » تصویری آمیخته به پارادوکس را ایجاد کرده است :
«توانا بود هر که نادان بود
چنین گفت فردوسی پاکزاد
بر آن سنگ پایه در آن بامداد»

(گزینۀ اشعار طنز آمیز ،صلاحی : ۱۰۶)

همچنین است اسناد سلام به خداحافظی در بیت زیر :

من به دیدار بهار آمده ام با سلامی که خداحافظی است
(همان : ۱۲۷)

۶-۳-۲- اسناد فعل به متممهای قیدی متضاد

در بیت زیر شاعر با اسناد فعل خوردن (شراب خوردن به متممهای قیدی موجب خلق پارادوکس شده است:

از فرط غم از شدت شادی خورده‌است این تاک گمان کنم زیادی خورده‌است

(سکته ملیح، بیابانکی: ۷۶)

۶-۳-۳- اسناد مفعول به متمم

چه کنم بوی خار میشنوم از گل و سبزه و گیاه شما
(سفر نامه گرد باد، حسینی: ۲۸)

۶-۳-۴- اسناد فعل به متمم

به جز غفلت در این دنیا چه کردیم به غیر از گم شدن پیدا چه کردیم
(همان: ۲۲)

۶-۳-۵- عطف دو معطوف متناقض به هم

پارادوکس در این شیوه با عطف دو معطوف هم نقش متناقض به یکدیگر ساخته شده است
الغرض این سبک، یک سبک ول است بدترین و بهترینش بیدل است
(املت دسته دار، فیض: ۹۴)

۶-۳-۶- ترکیب دو اسم متناقض

هر جا سخن از تو میشود، یاد آرند رندان ز حماسه غلط کردن تو
(قهوه قند پهلوی، مهدی نژاد: ۲۵۸)
نه با بیگانگانم نسبتی باشند با خویشان به مرگ زندگی من مرگ را هم زندگی کردم
(صباحتان به خیر مردم، قزوه: ۱۱۰)

۶-۳-۷- ترکیب اسم + صفت

به یمن آمدن ریزگردهای عزیز شدیم از همه خلق «خاک بر سر» تر
(سکته ملیح، بیابانکی: ۴۲)

«امروز اما نگاه کن که چه اضطراب قشنگی ما را در بر گرفته است.»

(از آسمان سبز، هراتی: ۷۸)

آن مار پری چهره و این یار پری نام تحصیل من از درس کلاس نظری بود
(املت دسته دار، فیض: ۱۳۹)

۶-۳-۸- تضاد افعال

از بس که شکستم و بیستم توبه باید بروم شکسته‌بندی بزنم
(سکته ملیح، بیابانکی: ۹۳)

۶-۳-۹- ترکیبات وصفی متضاد

اندیشه‌ما از برکات طنز است
لبخند خشن جزونکات طنز است
گریه‌مرد کار خوبی نیست
(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۳۹۷)
مثل یک مرد ماده‌گریه کنیم
(شعر طنز امروز ایران، نبوی: ۱۲۸)

۶-۳-۱۰- اجتماع صفات متضاد

شکستی این همه بت را و آخر بت شدی در خود
مسلمان کافرا روزی بت خود را مسلمان کن
(صبحتان بخیر مردم، قزوه: ۱۰۴)

۶-۳-۱۱- ترکیب‌های اضافی متناقض

کلنگ توسعه بوسید تربت قم را
خراب کرد ز پی خانه‌های مردم را
(همان: ۵۳)

۶-۳-۱۲- افعال متممی با مفهوم متناقض

کنون که خسته و درمانده‌ام من درویش
چه سازم ار نگشایم به مدح جانان نیش؟!
(قهوه قند پهلو، مهدی نژاد: ۳۱۲)

* نیش‌گشادن در مدح جانان: عبارت پارادوکس *

برای رسیدن چه راهی بریدم
در آغاز رفتن به پایان رسیدم
(گلها همه آفتاب گردانند، امین پور: ۱۰۸)

در پایان این جستار، یادآور میشود که استفاده از تصویرهای پارادوکسی در شعر طنز سالیان پس از انقلاب اسلامی، از حیث کمی و کیفی بسیار افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که میتوان آن را یکی از ویژگیهای سبک شعر انقلاب به شمار آورد. در میان مصداقهای به‌دست‌آمده از انواع متناقض‌نما که بر مضامین طنز مبتنی هستند، گونه‌هایی وجود دارند که به دلیل موقعیت چندوجهی زبانی و ادبی، در هیچ‌یک از طبقه‌بندیهای معمول جای نمیگیرند و گاهی در ارزیابی چنان دور از دسترس به نظر میرسند که باز کردن گره پارادوکس در آنها ناممکن است. با این حال، نمایش قدرتهای کلامی و ایستها و حرکت‌های توأم با مفهوم در زبان شعر مبتنی بر پارادوکس، مؤلفه‌ای است که در طنز نمیتوان آن را نادیده انگاشت. این ماهیت فرامنطقی، فراعقلی و فراعرفی لازمه عنصر پارادوکس است که در طنز وجود دارد. به تعبیر نیما تجرّ، نویسنده معاصر: «طنز از به‌هم‌ریختن قرارداد، قاعده، تعریف، کلیشه،

الگو و یا آداب و رسوم حاصل می‌شود و به همین دلیل است که طنزها غیرمنطقی، خارج از جدیت و رسمیت معمول، دور از ذهن و درنهایت خارج از استدلالات معهود عقلی و اجتماعی جلوه می‌کنند». (نظریه طنز، تجریر: ۱۷۵)

از این دیدگاه، ورود به جهان طنز همانند ورود به اتاق آینه‌ها است. آینه‌های کج و معوج، آینه‌های مقعر و محدب که هریک ما را به شکلی دیگر درمی‌آورد. به عنوان مثال در سروده‌های اکبر اکسیر، از طنزپردازان معاصر، می‌خوانیم: «صفر را بستند تا ما به بیرون زنگ نزنیم. از شما چه پنهان، ما از درون زنگ زدیم!». (زنبورهای عسل دیابت گرفته اند، اکسیر: ۸۱) در این عبارت شعری، علاوه بر اجتماع نقیضه‌های لفظی و معنوی، تصاویر دیگری نظیر کنایه و تضاد صفات و افعال با مفاهیم مختلف خودنمایی می‌کنند و این در حالی است که موسیقیهای لفظی و معنوی آن نیز درخور تأمل هستند. همچنین است شعر اعتراف از قیصر امین‌پور که می‌گوید: «خیش خیشی به گوش میرسد؛ برگهای بیگناه، با زبان ساده اعتراف می‌کنند: خشکی درخت از کدام ریشه آب می‌خورد». (آینه‌های ناگهان، امین‌پور: ۷۴) که با امتزاج فعل آب‌خوردن در معنای کنایی و حقیقی و ارتباط دادن آن به خشکی درخت، پارادوکس بی‌مانندی را رقم زده است که این اتفاق حاصل انحراف زبان از هنجارها و پیوند آن با مفاهیم متناقض است همچنان که تری نظریه پرداز معاصر می‌گوید «ماهیت شعر به گونه ای است که زبان معمولی را دگرگون میکند و قدرت میبخشد و به گونه ای نظام یافته آن را از گفتار روزمره منحرف می‌سازد.» (نظریه ادبی، ایگلتن: ۵).

افزون بر اینها، بازی‌های کلامی و واژگانی و برجسته‌سازی آوایی مبتنی بر پارادوکس، از دیگر مقوله‌هایی است که طنزپردازان انقلاب اسلامی در صورت‌های گوناگون شعری به آن پرداخته‌اند؛ در مثال زیر، شاعر با تقلید از گونه آوایی معتادان، با مفاهیم پارادوکس سبب برجسته‌سازی آوایی در شعر شده است:

لؤلؤ اگر نیش‌ت فراهم، چه خوری غم؟ ژیرا	دو شه تا بشت از اون دولت‌تیاش ما را بش
کشت خشخاش شنیدم شده از نو ممنوع	ژبونم لال بشه روز عزّاش ما را بش
ما نخواهیم به جُز منقل و گُرژ و آتیش	شفره گر هشت تَهی، نان لواش ما را بش
الغرژ ژین همه نعمت که خدا کرده عطا	پُک به آفیون ژدن و درد و بلاش ما را بش

(برداشت آخر، صدر: ۷۴)

و موارد فراوان دیگری از این دست که مجال پرداختن به همه آنها در اینجا وجود ندارد و لازم است که هر کدام از این اشکال، در جستارهایی دیگر و با دقت نظر بیشتری مورد بررسی قرار گیرند.

۷- نتیجه‌گیری

پارادوکس از عناصر پُربسامد در شعر طنز انقلاب اسلامی است. کاربرد این عنصر ادبی در شعر طنزپردازان معاصر و به‌ویژه در سالیان پس از انقلاب اسلامی، طنز را در معرض دگرگونی‌های سبکی و زبانی جدیدی قرار داده است.

بررسی پارادوکس در لایه‌های سطحی و زیرین شعر طنز در ساختارهای ادبی، محتوایی و زبانی نشان می‌دهد که استفاده از این ترفند بلاغی موجب توانمندی شعر از حیث صوری و معنایی می‌شود؛ آنچنان که گاه می‌تواند به عنوان ابزاری مطلوب در برون‌دادهای فکری و فرهنگی قلمداد شود. باید اذعان داشت که گستردگی‌های لفظی و معنوی مرتبط با پارادوکس به اندازه‌ای است که حد و مرزی برای آن نمیتوان تعیین کرد و بازتاب این پدیده در شعر طنز به مراتب بیشتر از سایر گونه‌های زبانی است؛ تا جایی که برای بسیاری از انواع متناقض‌نمایی که حاصل اندیشه‌های متفاوت‌الاضلاع و مختلف‌الاشکال طنزپردازان است، نام و عنوانی نمیتوان تعیین کرد. درهم‌تنیدگی برخی ساختارهای ادبی و زبانی نیز بر پیچیدگی این موضوع دامن زده است.

این دستاورد پژوهشی ضمن آنکه نقشه مسیر را برای دست‌یابی به قلمروهای جدید در عرصه پارادوکس‌های طنز نشان می‌دهد، تعمق و تفحص پژوهندگان را در آفرینش‌های شاعران طنزپرداز ضروری‌تر مینمایاند. بی‌گمان، تلاش هدفمند در این زمینه، رهاوردهایی نظیر شکل‌گیری جریان‌های نوین ادبی، زایش اندیشه‌های نو، پویایی سبکها و تحول در هنجارهای زبانی و تصویری به همراه خواهد داشت.

منابع و مأخذ

- ۱- از آسمان سبز. هراتی، سلمان. (۱۳۶۸). چاپ دوم. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- ۲- از نخلستان تا خیابان. قزوه، علیرضا. (۱۳۷۶). تهران: نشر حوزه هنری.
- ۳- املت دسته‌دار. فیض، ناصر. (۱۳۹۳). چاپ هفتم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۴- آینه‌های ناگهان. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۸). چاپ چهاردهم. تهران: نشر افق.

- ۵- برداشت آخر. صدر، رؤیا. (۱۳۸۴). تهران: نشر سخن.
- ۶- بلاغت تصویر. فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). تهران: نشر سخن.
- ۷- پیاده آمده بودم. کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۷۰). تهران: نشر حوزه هنری.
- ۸- تحلیل نقد، فرای، نورتروپ (۱۳۷۷). ترجمه صالح حسینی، تهران، نشر نیلوفر.
- ۹- «تناقض‌نمایی در قصاید خاقانی». حسن پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۶). نشریه دانشکده ادبیات تبریز. شماره ۲۰۱. صص ۱- ۱۸.
- ۱۰- دستور زبان عشق. امین پور، قیصر. (۱۳۸۷). چاپ ششم. تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۱- سبک‌شناسی. فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). تهران: نشر سخن.
- ۱۲- سکنه ملیح. بیابانکی، سعید. (۱۳۹۳). تهران: انتشارات شهرستان ادب.
- ۱۳- شعر طنز امروز ایران. نبوی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تهران: نشر نی.
- ۱۴- صبحتان به خیر مردم. قزوه، علیرضا. (۱۳۹۱). تهران: انتشارات کتاب نشر.
- ۱۵- فرهنگ اصطلاحات ادبی. داد، سیما. (۱۳۷۱). تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۶- فیض بوک، فیض ناصر. (۱۳۹۴) چاپ هشتم، انتشارات سوره مهر.
- ۱۷- قهوه قندپهلوی. مهدی‌نژاد، امید. (۱۳۸۹). تهران: نشر سوره مهر.
- ۱۸- کاکتوس. علی دوستی، همایون. (۱۳۸۸). شهرکرد: انتشارات آصف.
- ۱۹- گزینه اشعار طنزآمیز. صلاحی، عمران. (۱۳۹۱). چاپ هفتم. تهران: انتشارات مروارید.
- ۲۰- گزینه اشعار قیصر امین پور، امین پور، قیصر. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات مروارید.
- ۲۱- گلها همه آفتاب گردانند، امین پور، قیصر (۱۳۸۶). چاپ نهم، تهران: انتشارات مروارید.
- ۲۲- «متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی». اسکویی، نرگس. (۱۳۹۳). نشریه متن پژوهی ادبی. شماره ۶۱. صص ۱۰۷- ۱۳۴.
- ۲۳- «متناقض‌نما در شعر صائب تبریزی». گلی، احمد. (۱۳۸۷). پژوهشهای ادبی. سال پنجم. شماره بیستم. صص ۱۳۱- ۱۵۹.
- ۲۴- «متناقض‌نما در غزلیات حافظ». وزیله، فرشید. (۱۳۸۶). کتاب ادبیات ماه. شماره ۴. صص ۳۹- ۴۶.
- ۲۵- متناقض‌نمایی در شعر فارسی. چناری، عبدالامیر (۱۳۷۷). تهران: نشر فرزانه.
- ۲۶- مخزن الأشرار. احمدی، عباس. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۲۷- نظریه ادبی. ایگلتون، تری. (۱۳۶۸). ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- ۲۸- نظریه طنز بر بنیاد متون برجسته طنز فارسی. تجرّ، نیما. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات مهر ویستا.
- ۲۹- نقد ادبی و دموکراسی. پاینده، حسین. (۱۳۸۸). تهران: چاپ دوم، نشر گلشن.
- ۳۰- هی شعر تر انگیزد. بیابانکی، سعید. (۱۳۹۳). تهران: نشر سپیده‌باوران.